بر امام اشکال شده است:

«یمکن أن یناقش الجواب الأوّل بأنّ الظاهر من قوله: منْ عَمَل الشَّیْطان کونه خبرا ثانیا لا قیدا للرجس، فیکون کل منهما مقتضیا لوجوب الاجتناب. و لا نحتاج إلی إثبات کون البیع و الشراء من عمل الشیطان و لیس بناء الاستدلال علی ذلک، بل علی دخولهما فی وجوب الاجتناب عن جمیع التقلّبات المستفاد من الإطلاق.» [1]

توضیح:

در جواب اول مناقشه می شود که: **اوّلاً** «**من عمل الشیطان**» در آیه خبر دوّم است و نه اینکه قید رجس باشد [یعنی آیه می فرماید خمر رجس است و از عمل شیطان است و نه اینکه خمر رجس از عمل شیطان است] و لذا هر کدام از این دو علت جداگانه هستند.

ثانیا: [اگر هم قید باشد] آیه می گوید چون خمر رجس من عمل الشیطان است، همه تصرفات آن حرام است پس آیه نمی خواهد بگوید بیع و شراء عمل شیطان است [بلکه عمل شیطان داخل در عقد الوضع است و حرمت بیع و شراء داخل در عموم عقد الحمل]

ما می گوییم:

۱) **اگر هم «من عمل الشیطان» خبر دوّم باشد، ضرری به استدلال امام نمی زند.**

چراکه اگر در جایی گفتیم: «**زید چون مجتهد است و چون عادل است، باید اکرام شود.**» ظهور جمله در آن است که اجتهاد و عدالت همراه با هم علت اکرام هستند و لذا ظهور آیه در علیت «**رجس + من عمل الشیطان**» است.

۲) **ظاهراً** در نوشته امام «**کالبیع والشراء**» به اشتباه آمده و مرادشان کالبول و الدم است. یعنی ایشان می گویند اگر خمر نجس است و از عمل شیطان است و واجب الاجتناب است، دلیل ندارد که بگوییم «**بول چون نجس است واجب الاجتناب است**» چراکه نمی دانیم آیا بول هم من عمل الشیطان است یا نه؟

بر جواب سوم امام هم اشکال شده است:

«و یناقش الجواب الثالث بأنّ الظاهر کون الرجس فی الآیة أعمّ من النجس المصطلح و إذا اقتضی الأعمّ وجوب الاجتناب فالأخصّ یقتضی ذلک فی ضمنه، اللّهم إلّا أن ینکر الأعمّیة لاحتمال کون النسبة بنحو العموم من وجه، فتدبّر.» [2]

توضیح:

۱. دراسات فی المکاسب المحرمة؛ ج۱، ص: ۱۸۷

۲. دراسات فی المکاسب المحرمة؛ ج۱، ص: ۱۸۸

۱. رجس در آیه اعم از نجاست فقهی است و لذا وقتی اعم واجب الاجتناب شد، اخص هم واجب الاجتناب می شود.

۲. امّا ممکن است بگوییم رابطه رجس و نجس اعم و اخص من وجه است. [مثلا سگ نجس است ولی رجس نیست].

ما می گوییم:

۱) حضرت امام درباره این آیه در مباحث طهارت نیز بحث کرده اند.

«قد یقال- کما قیل بعدم جواز الانتفاع بها مطلقاً؛ لقوله تعالی إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ.

بتقریب: أنّ الضمیر فی قوله فَاجْتَنِبُوهُ راجع إلی الرّجس، و أنّ المراد منه هو النجاسة، و المراد بالاجتناب عن الشیء فرض ذلک الشیء کالعدم؛ بمعنی عدم ترتیب الأثر علیه أصلًا، فمفاد الآیة الشریفة: وجوب الاجتناب عن جمیع النجاسات، و عدم الانتفاع بشیء منها أیّ انتفاع کان.

و فیه أوّلًا: أنّ المراد من الرّجْس لیس هی النجاسة و القذارة، کما توهّمه المستدلّ، بل المراد به العمل القبیح؛ لأنّ تنزیل الخمر و سائر المذکورات فی الآیة الشریفة مع غایة الاهتمام بها، منزلة النجس الذی لا یکون بهذه المرتبة من الأهمّیّة، مستبعد جدّاً، و کیف یقاس عبادة الأوثان- التی مبنی الشریعة علی مکافحتها و الجهاد لإزالتها بشرب النجس الذی لا یترتّب علیه إلّا مجرّد مخالفة تکلیف تحریمیّ و لعمری إنّ هذا ادّعاء لا یمکن أن یصدر من عاقل، فضلًا عن فاضل.

و ثانیاً: سلّمنا أنّ المراد من الرجس هو القذر و النجس، و لکن لانسلّم أنْ یکون الضمیر راجعاً إلیه لأنّه یحتمل أن یرجع إلی عمل الشیطان، خصوصاً مع قربه منه.

و ثالثاً: لو سلّمنا جمیع ذلک، لکن لا نُسلّم أن یکون المراد من الاجتناب هو عدم الانتفاع به أصلًا، بل المراد به: هو عدم الانتفاع بالآثار الظاهرة المتصوّرة منه عند العقلاء.» [1]

۱. کتاب الطهارة (تقریرات، للإمام الخمینی)؛ ص: ۱۳۹